

اخطار امام: اجازه هرج و مرج نمیدهیم

مرد حاضر در حلقه اول انقلاب

اول شخص

مروری کوتاه بر خدمات آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی به نظام جمهوری اسلامی ایران، به بهانه سالروز تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

است... مجازند به تصویب و اجرا. و برای دقت در تشخیص موضوع، رأی دو سوم نمایندگان را در این خصوص لازم دانستند. اما با تکرار اختلاف بر سر لایحه قانون کار، هنگامی که شورای نگهبان بیش از هفتاد اشکال را بر لایحه وارد کرد، حل معضل از مسیرهای متداول حقوقی، میسر نشد. پس حضرت امام^(ع) در پاسخ به نامه رئیس جمهور، رئیس دیوان عالی کشور و حجت الاسلام سیداحمد خمینی، برای حل عملی این گونه مسائل فرمودند: در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعا و قانونا توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و ۶ شخصیت دیگر به علاوه وزیر مربوطه برای تشخیص مصلحت



هوای دل پذیر در چادر مسافرتی

مناسبت چند ساعتی از وقت درس و مشقمان صرف تمرین یا اجرای برنامه های نمایش و سرود و سایر برنامه های طنز و شادی بخش می شد. خوش نویسی بیشتر از همیشه در روزهای دهه فجر به کار می آمد. مربی پرورشی هر روز دو ساعتی مرا از کلاس بیرون می کشید تا بروم و دیوار نویسی کنم. ۲۲ بهمن که فرا می رسید از پیش، رضایت نامه ها را امضا شده تحویل مدرسه داده بودیم و باذوقی باور نکردنی سوار اتوبوس های بنز قدیمی که مدرسه کرایه کرده بود می شدیم و تمام راه فریاد «بوی گل سوسن و یاسمن آید، عطر بهاران کنون از وطن آید...» و «۲۲ بهمن، ۲۲ بهمن، روز از خود گذشتن، روز آزادی ما...» یا «خمینی ای امام، خمینی ای امام... ای مجاهد ای مظهر شرف...» سرمی دادیم تا به مقصد می رسیدیم و در راهپیمایی چند ساعت میان جمعیت مورچه مورچه گام برمی داشتیم و با بالا نگه داشتن پرچم ها و پلاکاردها دست های کوچکمان از خستگی

و سرما به لرزش می افتاد. اما سرشار از شور و نشاط بودیم و در جواب معاون مدرسه که می گفت: «کی خسته است؟ جیغ زنان و برائزری فریاد می زدیم:» دشمن...!« و هم زمان کیک و شیرمان را می خوردیم. اما دهه فجر آن سال با همه سال ها فرق داشت. دشمن بعضی، شهرها را به شدت هدف بمباران و موشک باران خود گرفته بود. با وجود سرمای استخوان سوز زمستان و برف های سنگینی که می بارید بیشتر اوقات مجبور بودیم برای حفظ جان، چند روزی را زیر چادر مسافرتی خارج از شهر بگذرانیم. مادرم معلم بود و از اینکه می دید با دوری از مدرسه و شور و حالش، من و برادرم دل و دماغ سال های قبل را نداریم با نگرانی نگاهمان می کرد. پدر هم آن روزها در جبهه سردشت همراه دیگر رزمندگان مشغول دفاع از خاک مقدس کشورمان بود. دلنگنی برای او هم ما را غمگین تر می کرد. مامان با هدف سرگرم کردن ما پیشنهاد داد تعدادی از کاغذهای دفترمان

را با مداد رنگی و ماژیک رنگ و با آن ها شرشره درست کنیم. خودش هم چند پاکت فریزری را نقاشی و باد کرد و با نخ سرشان را بست. از من نیز خواست با خط درخت چند جمله زیبا درباره دهه فجر بنویسم که بیرون چادر نصب کند. با چسب نواری کاردستی ها را به سقف چادر نصب کردیم و آن قدر ذوق زده بودیم که بچه های دیگر چادرها را صدا زدیم تا یابیند و چادر ما را ببینند. با دیدن تزیینات ما، بقیه بچه ها هم دست به کار شدند و چادرشان را به سلیقه خودشان تزیین کردند. بعد هم همگی در چادر یکی از خانواده ها که وسیع تر بود جمع شدیم و سرود «هوادل پذیر شد... گل از خاک بردمید...» را برای مادر و پدرها اجرا کردیم و مهرادران سوزوسرما به دل چادرهایمان کشاندم. ضمن تشویق بزرگ ترها از پیرمرد مهربانی که در همان اطراف چادر زده بود هم یک مشت نخود کشمش جایزه گرفتیم.

شرشره

شبنم گرمی– آن سال ها بهمن که فرا می رسید شور و شوق عجیبی بر فضای مدرسه ها حکم فرما بود. از اول بهمن، بچه ها به فکر تزیین کلاس هایشان می افتادند. بچه هایی که پول توجیبی بیشتری داشتند شرشره های طلایی و نقره ای پرکارتری می خریدند و بقیه خودشان با کاغذ رنگی شرشره های ساده تر یا ریشه های پرچم می ساختند. دست کم یک هفته تمام، بیشتر دانش آموزان رنگ های تفریح روی میز و نیمکت ها در حال نصب تزیینات و بادکنک ها به در و دیوار بودند و آن ها که دستشان می رسید سقف کلاس را تزیین می کردند. دهه فجر که می آمد نوبت رونمایی از تزیینات کلاس ها می شد. هر کلاسی رنگارنگ تر و با وسایل تزیینی شلوغ تر بود به نظر زیبایتر می آمد و بعضی هم برای تلاش هنرمندانه تری که به نظر خودشان انجام داده بودند فخر می فروختند که کلاس ما شگفت تر از بقیه شده است. لذت روزهای دهه فجر وقتی دو چندان بود که هر روز به همین

قلب انقلاب

حمید سبحانی– کارکرد مکان ها تابعی از نقشه ذهنی برآمده از محیط و تحولات سیاسی و اجتماعی است. این ویژگی ها در قالب خاطرات و کنش های جمعی در محیط یا مکانی خاص متبلور می شوند. لذا این مکان ها وجهی نمادین به خود می گیرند. در مقیاس جهانی می توان به میدان التحریر مصر و میدان سرخ در روسیه اشاره کرد. برخی شهرهای ایران هم از چنین مکان ها یا محیطی در قالب خیابان یا میادین برخوردارند. شاید شناخته ترین نماد مکانی از این نوع را در ایران بتوان میدان آزادی تهران نامید. میدانی که در سال ۱۳۵۰ به مناسبت جشن های دو هزار و پانصد ساله احدثش به پایان رسید. با بالا گرفتن هیجانات انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، شاهراه عبور تجمعات و تظاهرات در انتها به این میدان ختم می شد. مسیری که از تکرار دانشگاه تهران می گذشت و تقاطع خیابان های شمال و جنوب پایتخت بود. پایان تمام تجمعات که معمولاً با یک سخنرانی یا خواندن قطعنامه همراه بود در

این میدان شکل می گرفت. عکس بی نظیر ارسطو ساریس عکاس آسوشیند پرس مربوط است به تجمع مردمی در ۲۹ دی ۱۳۵۷. پس از خروج محمدرضا پهلوی از ایران در میدان آزادی، تجمعی در مخالفت با دولت بختیار، شاید این عکس بهترین گواه تغییر کارکرد یک مکان است. میدانی که برج زیبا با معماری مدرنش در ورودی شهر، تهران ساخته شد تا نماد دروازه دنیای مدرن باشد در شهری که به شهر دروازه ها معروف بود. عکس ساریس به دو قسمت در سمت چپ و راست تقسیم شده است. سمت چپ و جلو کادر را چهار مرد و یک زن بر کرده اند که روی سقف یک اتوموبیل ایستاده اند. عکاس هم روی سقف همان اتوموبیل است و هو شمندان

از لنز باز با دیافراگم بسته استفاده کرده است تا جزئیات پشت این چند نفر هم وضوح داشته باشد. این انتخاب باعث شده است تا مقیاس برج میانه میدان و شعار دهندگان نزدیک عکاس در بعد و اندازه یکسان به نظر برسند و این عامل موجب جان بخشی

و شخصیت بخشی به برجی شده است که بعدتر آزادی نام گرفت. استحاله و دگردیسی موقعیت، مکان و سازه ای که در این عکس به جلوه ای با شکوه دیده می شود و از آن مهم تر، در حالی که همچنان آدم های بسیاری پای این میدان قدیمی و برجش در پایتخت

عکس: ارسطو ساریس

شهر

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ شماره: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲-۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲-۳۰۰۰۷۲۸۹-۳

SHAHRRARANEWS.IR
۲شنبه
۱۶ بهمن ۱۴۴۵
۲۴ رجب ۱۴۵۱
شماره ۲۱۵۱
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید
ميثاقنامه اخلاق حرفه‌اي



دمای هوای مشهد
۷۲٪
۱-°
۵°
صبح ۱-
ظهر ۳
عصر ۵
شب ۲

● اذان ظهر ۱۱:۴۵:۲۹ نیمه شب شرعی ۲۳:۰۲:۲۵
● غروب آفتاب ۱۷:۰۱:۱۸ اذان صبح فردا ۰۵:۰۳:۳۲
● اذان مغرب ۱۷:۲۰:۲۶ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۴۹:۴۰

شهید

ناهید اسدی

تاریخ شهادت: ۱۳۵۷/۵/۱

تاریخ تولد: ۱۳۴۳

محل تولد: بجنورد

محل شهادت: مشهد



سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مسجد کرامت مشهد، بیش از پیروزی انقلاب اسلامی

مسجد کرامت، قلب مبارزات مشهد

پایگاه انقلاب

اوایل دهه ۵۰، مسجد کرامت یکی از مساجد محوری در جریان انقلاب مشهد است.

پاییز ۱۳۵۷ فصل راهپیمایی و تظاهرات روزانه است. شدت گرفتن مبارزات مردم و بازگشت رهبر انقلاب از تبعید همه چیز را فراهم می کند تا «مسجد کرامت»، مجدداً به قلب مبارزات مشهد تبدیل شود. مسجد کرامت و مثلث رهبر انقلاب، شهید هاشمی نژاد و حجت الاسلام واعظ طبسی و شاکردانسان، مدیریت میدانی فعالیت های انقلابی مشهد را بر عهده دارند و تجمعات اقشار مختلف مردم با هماهنگی و سخنرانی آن ها هدایت می شوند. اقدامات و فعالیت های آن ها نیز با هماهنگی دو عالم انقلابی مشهد یعنی آیتا... سیدعبدالله شیرازی و آیتا... سیدحسن قمی صورت می گیرد. رهبر معظم انقلاب درباره آن روزهای گویند، «یک ستادی تشکیل شد در مسجد کرامت برای هدایت کارهای مشهد و مبارزات. در آنجا جمع می شدیم و مردم هم در رفت و آمد دائمی بودند و آنجا شد ستاد کارهای مشهد و عجیب این است که نظامی ها و پلیس از چهارراه نادری، که مسجد هم سر چهارراه بود، جرئت نمی کردند این طرف تر یابیند از هیجان مردم. ما توی این مسجد روز را با امنیت می گذرانیدیم و هیچ واهمه ای نداشتیم که بریزند این مسجد را تصرف کنند یا ماها را بگیرند ولیکن شب که می شد آهسته از تاریکی شب استفاده می کردیم و می آمدیم بیرون و به منزلی غیر از منزل خودمان می رفتیم. هر چند نفری شب را یک جا می ماندیم. خیلی شب و روزهای پرهیجان و پرشوری بود.» تجمعات و راهپیمایی ها همچنان ادامه می یابد. رهبر معظم انقلاب و دیگر روحانی های انقلابی هر روز در یک گوشه از شهر برای مردم سخنرانی و راهپیمایی ها و تجمعات را هدایت می کنند. یک روز در بیمارستان امام رضا^(ع)، روز دیگر در ورزشگاه سعدآباد، اما هیچ جا، جای مسجد کرامت را نمی گیرد. این مسجد حکم پایگاه اصلی هماهنگی های انقلاب را دارد. ملک حاج محمود کرامت حالا حسایی شلوغ شده و در آن جای سوزن انداختن نیست.

ایشان آن روزها را این چنین روایت می کنند: «بندۀ در مسجد کرامت مشهد نماز می خواندم، منبر می رفتم و سخنرانی می کردم بعد از نماز البته منبر نمی رفتم همان کنار منبر می ایستادم و صحبت می کردم. آن جمعیت در مساجد مشهد نظیر نداشت. حتی پدر خودم که پنجاه سال در مسجد دیگری نماز می خواندند، بعد از نماز می آمدند برای اینکه صحبت من را گوش کنند. حتی نماز ما و سایر اجتماعات مسجد کرامت ده برابر اجتماع سایر مساجد معروف و معتبر مشهد بود. جمعیت از در و دیوار، واقعا از در و دیوار، می آمدند که در مسجد کرامت نماز بخوانند و به حرف های ما گوش کنند. همین جمعیت مشتاق هم کار را برای ساواک و عوامل رژیم دشوار کرده و باعث نگرانی آن ها شده است. اما حالا دیگر هیچ چیز جلودار مردم مشتاق و پامنبری های طلبه جوان مسجد کرامت نیست.»

چکمه

بانگ آزادی

این بانگ آزادی ست، کز خاوران خیزد ————— فریاد انسان هاست، کز نای جان خیزد

اعلام توفان هاست، کز هر کران خیزد

آتش فشان قهرملت های در بند است ————— جبل العتین توده های آرزومند است

الله اکبر، خمینی رهبر

دشمن بداند ما موج خروشانیم ————— زاییده بحریم، فرزند توفانیم

در سنگر اسلام، بگذشته از جانیم

بازو به بازو، صف به صف، ما آهنگین جنگیم ————— سنگر به سنگر، جان به کف آماده جنگیم

تخت شهنشاهان، شد سرتگون از ما ————— بخت تپهکاران، شد واژگون از ما

دامان آزادی، شد لاله گون از ما

ما حافظ آزادی و اسلام و فرآئیم ————— ما در بی آسایش و معراج انسانیم

الله اکبر، خمینی رهبر

ما در ره اسلام، پیمان خون بستیم ————— زنجیر استعمار، مردانه بگسستیم

حمید سبزواری